

موانع و موانع‌های تجاری منطقه‌ای

(زمینه‌ها، موانع و رهاورد)

نویسنده: "ریچار هاسن" و "میشل لیدی"^۱

مترجم: سیده محمد طاهایی

عضو هیات علمی دانشگاه امام حسین (ع)

چکیده

این مقاله ترجمه فصل ششم از کتاب "خط‌مشی‌های تجاری بین‌المللی (دور "اروگوئه" و مسائل پیرامون آن) است. این کتاب، جلد دوم از سری بررسی‌های علمی صندوق بین‌المللی پول دربارهٔ مباحث و تحولات جدید مناطق تجاری در دوره‌های زمانی بین سالهای ۱۹۹۰ تا ژوئن ۱۹۹۴ است. در این نوشتار مبانی و اهداف، موانع و رهاوردهای تریات تجاری در مناطق مختلف جهانی بیان شده است.

مقاله حاضر در دو بخش ارائه می‌گردد: در بخش اول مبانی، اهداف، موانع و ره‌آوردهای تریات تجاری در مناطق مختلف جهان بیان شده است؛ و در بخش دوم مقاله، که در شماره بعد تقدیم می‌گردد، فهرست تفصیلی و مفید ۶۸ ابتکار منطقه‌ای در زمینه تجارت و بازرگانی ارائه می‌گردد.

مطالب بخش اول مقاله، پاسخی است به این سؤال که: با عنایت به رشد منطقه‌گرایی و توافقاتی دو جانبه و چندجانبه اقتصادی بین کشورها، آیا عملکرد سازمانها و نهادهای بین‌المللی اقتصادی چون صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی (که جانشین توافقتنامه عمومی تجارت و تعرفه، "گات" شده است) محدود شده؛ و آیا روند جهان‌گرایی و عمومی شدن قواعد و ضوابط اقتصادی بین‌واحدهای سیاسی با اختلال مواجه می‌شود؟ و به بیان دیگر، آیا اتخاذ تصمیمهای گروهی و تاحدی یکجانبه دربارهٔ مسائل مهمی چون داپینگ و ضد داپینگ، موانع گمرکی و غیر گمرکی، بدهیها و کسری در تراز پرداختهای خارجی و غیره، و از طرف دیگر روشها و سطوح مختلف همگرایی اقتصادی از ایجاد منطقه آزاد تجاری و اتحادیه گمرکی گرفته تا بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی، دنیا را تبدیل به جزایر کوچک و بزرگ مستقل از یکدیگر نکرده است و واقعیتی به نام "سیستم اقتصادی بین‌الملل" را از جهت مفهومی با مشکل مواجه نمی‌سازد؟

پاسخ صندوق بین‌المللی پول به این سؤال بسیار خوشبینانه است و در مواقع شروع منطقه‌گرایی اقتصادی را گامی در مسیر جهانی شدن اقتصاد می‌داند و معتقد است در این وضعیت موفقیت نهادهای بین‌المللی اقتصادی بیشتر تضمین خواهد شد.

توافقات تجاری منطقه‌ای^۱ مقدمه

توافقات تجاری منطقه‌ای در میان اعضای صندوق بین‌المللی پول به طور روز افزونی اهمیت یافته است.

این مقاله تحولات اخیر توافقات تجاری منطقه‌ای، عوامل سهم در توسعه آنها و نیز تأثیرات فزاینده منطقه‌گرایی از جمله سازگاری این توافقات با آزاد سازی چند جانبه را بررسی می‌کند. این تحقیق با فهرست جامعی از توافقات تجاری موجود (پیوست شماره یک) تکمیل و تقویت شده است.

در این مقاله دو مورد از برجسته‌ترین ابداعات منطقه‌ای، یعنی اتحادیه اروپا^۲ و موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی موسوم به "نفتا"^۳ بطور مشروح بررسی شده است. توافقات برگزیده دیگر شامل روابط تجاری دولتهای عضو اتحادیه اروپا با اقتصاد کشورهای دستخوش تغییر ساحل مدیترانه، بازار مشترک مخروط جنوبی^۴ اتحادیه اقتصادی و گمرکی افریقای مرکزی،^۵ ابتکار فرامرزی،^۶ منطقه تجارت آزاد و اتحادیه ملتهای آسیای جنوب شرقی،^۷ بازار همکاری حوزه آسیا - اقیانوس آرام،^۸ شورای همکاری خلیج (فارس)^۹ و سازمان همکاری اقتصادی^{۱۰} به صورتی فهرست گونه در پیوست شماره ۸ بررسی شده است.

یافته‌های اساسی این تحقیق عبارتند از:

- از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰، توافقات تجاری مهمی پا به عرصه وجود گذاشت و برخی از توافقات قبلی بویژه در اروپا و نیمکره غربی، دوباره فعال شد. قرار بود در دور «اروگوئه»^{۱۱}، روند رو به رشد همگرایی منطقه‌ای به آرامی متوقف گردد، اما عوامل جانبی دور «اروگوئه» نقش مهمی برعهده داشت؛ به رغم اینکه اجرای دور اروگوئه مقاد ممکن است انگیزه‌های منطقه‌گرایی را کاهش دهد، نشانه‌هایی وجود دارند دال بر اینکه این انگیزه‌ها در آینده نیز به قوت خود باقی خواهند ماند.
- به همان میزان که ظهور منطقه‌گرایی به عنوان عامل همگرایی در محیط تجاری به

شمار می‌آید، اما به هیچوجه نباید اجازه داد که اذهان عمومی از این مطلب که بهترین سیاست تجاری، رفع موانع از اجرای اصل دولت کامله‌الوداد،^{۱۲} است، منحرف گردد. دیگر اینکه هدف غایی، تجارت آزاد جهانی است. بنابراین، ابتکارات منطقه‌ای، باید در مسیر امنی برای هدفِ دراز مدت رفع موانع چند جانبه‌ای و نیز توسعه تریبیت تجاری منطقه‌ای به کار رود و به مثابه "سنگ بنای" چنین حرکتی به شمار آید. نظر صندوق بین‌المللی پول حمایت فعالانه از این موضوع است.

● چنانچه تریبیت تجاری منطقه‌ای حاضر به قبول این شرط گردند، غالباً در رفع موانع تجارت جهانی و به حداقل رساندن "انحراف تجاری"^{۱۳} سهم خواهند بود. این شرطها (بدون استثنا) شامل پوشش دادن به همه بخشهای اقتصادی، قوانین واضح و آشکار پایه، شرایط آسان دسترسی به منابع و اصول (تضمین شده) ضد دامپینگ علیه کشورهای ثالث است.

از همه مهمتر، تنظیم شرط دولت کامله‌الوداد، باید پیشتر یا همراه با انعقاد توافقنامه جدید باشد، بویژه وقتی تمهیدات حفاظتی علیه غیر اعضا بسیار شدید باشد. گونه‌های عمیقتر همگرایی (همچون تجارت خدمات) می‌تواند دستاوردهای بالقوه را در زمینه منابع کارآمد درون‌گروه‌های منطقه‌ای افزایش دهد.

● اخیراً بسیاری از ابتکارات منطقه‌ای عمده ضمن اینکه تشکل خود را حفظ کرده‌اند، جهتگیری بیرونی هم داشته‌اند؛ بطور نمونه در طرح دولت کامله‌الوداد، که پیشتر یا همراه با رفع محدودیتهای منطقه‌ای بوده است، این مسأله دیده می‌شود. با ارزیابی هدف غایی همگرایی و کشورهای که درگیر این مسأله شدند، این نتیجه حاصل می‌گردد که "اتحادیه اروپا" پیشرفته‌ترین موافقتنامه تجاری منطقه‌ای است و نیرویی که در ورای این همگرایی وجود دارد، بی‌همتاست و بسادگی تکرار نمی‌پذیرد.

در بخش کالاهای تولیدی به عنوان یکی از نتایج همگرایی اروپا، پدیده "خلق تجارت" در کل به شکل خالص مشهود بوده است. نگرانیهای اولیه شریکان تجاری "اروپای نفوذ ناپذیر" که ناشی از برنامه بازار داخلی اروپا بود، محقق نشد. با وجود این هنوز ضوابط مختلفی در بخش تولیدی وجود دارد؛ یعنی جایی که پدیده انحراف

تجاری، بخشها و کشورهای خاصی را تحت تأثیر قرار داده است و سطح سوبسید تولیدات صنعتی بالایی که بالاست.

در بخش کشاورزی، تأثیرات انحراف تجاری به عنوان یکی از دستاوردهای سیاست کشاورزی مشترک، به همراه نشانه‌های منفی قابل توجهی برای رفاه اتحادیه اروپا و کشورهای جهان سوم، آشکارا مشاهده می‌شود. با فرض تأثیر عمده اتحادیه اروپا بر اقتصاد جهانی و چشم‌اندازهای توسعه بیشتر آن، صندوق بین‌المللی، هنوز نیازمند تأکید و حمایت بیشتر برای آزاد سازی مناطق تجاری است.

● توافقنامه "نفتا" در نوع خود بی‌همتاست، زیرا تلاشی برای همگرایی کشورهایایی است که از لحاظ سطح درآمد ملی بسیار متفاوت هستند. این درحالی است که آمادگی انحراف تجاری در کل به عنوان یکی از نتایج "نفتا" بطور محدود ظاهر شده و تنها در بخشهای ویژه و یا کشورهای عضو به شکل جداگانه مشهود است.

مروری بر مسائل و رویدادهای اخیر

توافقات تجاری منطقه‌ای با قالبهای مختلف و درجات گوناگونی از آزاد سازی (لیبرالیزم) داخلی و متعاقباً تعهدات خارجی، شکل می‌گیرند. رئوس مطالب این بخش عبارتند از:

- ۱- گرایش اخیر به ایجاد توافقات تجاری منطقه‌ای
- ۲- عوامل سیاسی و اقتصادی که انگیزه این ابتکارات است.
- ۳- بررسی ملاحظات نظری که به ارزیابی تأثیرات اقتصادی (این توافقات) کمک می‌کند.
- ۴- شناسایی تعدادی از شاخصهایی که از لحاظ اقتصادی، ترتیبات تجاری ممتاز را مرتب می‌کند.

تحولات اخیر توافقات تجاری منطقه‌ای

در خلال نیمه اول دهه ۱۹۹۰ هم ترتیبات تجاری منطقه‌ای مهمی به وجود آمد و هم

برخی از موافقتنامه‌های موجود دوباره فعال شدند (پیوست شماره ۸). در اروپا، تحولات بسرعت ایجاد، و طرح بازار داخلی با هدف توسعه تجارت و رشد اقتصادی تکمیل شد. (موافقتنامه) "منطقه اقتصادی اروپا"^{۱۵} از بین کشورهای اتحادیه اروپا (EU) و اتریش، فنلاند، لیختنشتاین، نروژ و سوئد تشکیل شد، از میان اینها، اتریش، فنلاند، نروژ و سوئد برای ورود به اتحادیه اروپا (مرحله) شناسایی را به پایان رساندند و انتظار می‌رفت که دولت‌های (متبوعه آنها) رفتارندم عمومی را در سال ۱۹۹۵ برگزار کنند. و رسماً وارد اتحادیه اروپا گردند. این اتحادیه با چند کشور اروپای شرقی و مرکزی به توافقهایی دست یافت.

همچنین موافقتنامه همکاری و تعاون با چندین کشور اتحاد جماهیر شوروی سابق، پیمانهای تجاری آزاد با کشورهای بالکان و یک اتحادیه گمرکی با ترکیه را نیز در دستور کار خود قرارداد. مورد اخیر در حال گذراندن مذاکرات با کشورهای مدیریتانه‌ای است. کشورهای مرکزی و شرقی اروپا هم نظیر همین توافقه‌ها را با اتحادیه تجارت آزاد اروپا (افتا)^{۱۶} دارند. جمهوریهای چک و اسلواکی، اتحادیه گمرکی تشکیل دادند و با مجارستان و لهستان موافقتنامه تجاری آزاد منعقد ساختند. کشورهای بالتیک پیمان تجاری آزاد بین خود منعقد کردند. کشورهای مستقل مشترک المنافع، برای تشکیل یک اتحادیه اقتصادی به توافق رسیدند. در نیمکره غربی نیز روند توافقه‌های تجاری منطقه‌ای سریعتر شد، علاوه بر "فتا" تعداد قابل توجهی توافقه‌های جدید صورت گرفت که برجسته‌ترین آنها "بازار مشترک نیمه جنوبی"^{۱۷} است.

طرح‌های همگرایی موجود نظیر "پیمان آنکوم"^{۱۸} و "بازار مشترک امریکای مرکزی"^{۱۹} دوباره دایر شد. بسیاری از توافقه‌های جدید دو جانبه شدند و در بیشتر موارد به صورت موافقتنامه تجارت آزاد درآمدند و بطور برجسته توسط کشورهایی که قبلاً در یک یا چند توافق تجاری منطقه‌ای شرکت داشته‌اند، شکل گرفتند. تعدادی از کشورها از جمله ونزوئلا و کلمبیا اخیراً با چندین کشور دیگر مشارکتهای تجاری داشته‌اند، به علاوه توافقات دیگری نیز تحت بررسی است؛ بطور مثال توافقات میان گروه‌های

سه‌گانه شامل کلمبیا، مکزیک و ونزوئلا و نیز بین جامعه کاریبان "کاریکوم"^{۲۰} با کلمبیا و بالاخره میان «کاریکوم» با ونزوئلا را می‌توان ذکر کرد تعدادی از کشورهای آمریکای لاتین تمایلات خود را برای دستیابی به "فتنا" نشان داده‌اند. اخیراً در توافقات موجود، تجدید حیات دوباره‌ای صورت گرفته است. پیمان "آنکوم" و بازار مشترک آمریکای مرکزی در مورد یک تعرفه گمرکی مشترک به توافق رسیدند و "کاریکوم" بر میزان فعالیتش افزود.

به رغم اینکه تغییرات زیادی در وضع بسیاری از ترتیبات تجاری منطقه‌ای سابق در آفریقا بوجود نیامد، اما تحولات جدید در جهت یک همگرایی بزرگتر در حال شکل‌گیری بود. همراه با کاهش شخصیت "حقوقی جامعه آفریقایی فرانک"،^{۲۱} اتحادیه اقتصادی و گمرکی آفریقای مرکزی پیشرفتهایی را در برخی از عرصه‌ها کسب کرد که عبارتند از:

- ۱- تکمیل تعرفه‌های گمرکی خارجی مشترک
- ۲- جایگزینی محدودیتهای مقداری^{۲۲} همراه با تعرفه‌های جدید
- ۳- حذف تدریجی عوارض درون "اتحادیه اقتصادی و گمرکی آفریقای مرکزی"^{۲۳} در آفریقای جنوبی و شرقی "ابتکار فرامرزی"^{۲۴} جدیدی وجود دارد که تحت حمایت بانک جهانی، کمیسیون اروپایی، بانک توسعه آفریقا و صندوق بین‌المللی پول است.

این توافقنامه به عنوان اقدامی عملی به سمت همگرایی اقتصادی درون منطقه‌ای، شامل تجارت بین مرزی، سرمایه‌گذاری، سیستمهای مبادله ارز و پرداختها و توسعه نهادینه اقتصادی، عزم خود را جزم کرده است.

همگرایی اقتصادی در شرق آسیا، بطور اصولی نتیجه فعالیت‌های بخش خصوصی است؛ یعنی ترتیبات نهادینه‌ای که بیشتر به اجرای نقش حمایتی تمایل دارند تا نقش رهبری.

انعقاد توافقنامه "تجارت آزاد آس آن" موسوم به (آفتا)^{۲۵} و همچنین فعالیت فزاینده

درون "بازار همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام" ۲۶ از جمله تحولات اخیر این منطقه به شمار می‌رود.

در سال ۱۹۹۲، طرح پیش نویس توافقنامه تجارت ترجیحی "انجمن همکاری منطقه‌ای جنوب آسیا" ۲۷ تدوین شد.

در این طرح تأکید شده بود که تمام تشریفات خاص برای عملی شدن این توافقنامه از جمله نهایی کردن طرح‌های امتیازات، باید تا پیش از سال ۱۹۹۵ تکمیل شده باشد. در خاور میانه نیز علاقه به ابتکارات منطقه‌ای افزایش یافته است. شورای همکاری خلیج فارس تحرک سرمایه و نیروی کار را آزاد کرد، و برای تأسیس یک تعرفه خارجی مشترک فعال گردید. همچنین مذاکره با اتحادیه اروپا را به منظور انعقاد یک توافقنامه همکاری اقتصادی ادامه داد.

طرح‌های جاه طلبانه همگرایی "بازار مشترک اعراب" ۲۸ و "اتحادیه مغرب عربی" ۲۹ که هر دو در دهه ۱۹۶۰ تأسیس شده بودند، عمدتاً به اجرا در نیامدند. البته سازمان همکاری اقتصادی (اگو) تلاش‌های خود را برای بهبود همکاری به کار بست و اخیراً برخی از کشورهای اتحاد جماهیر شوروی سابق را به عنوان عضو جدید پذیرفت.

انگیزه منطقه‌گرایی

ترتیبات تجارت منطقه‌ای به دلایل گوناگون و با شکلهای مختلف در همکاری بین کشورها دیده می‌شود. با عنایت به اینکه یک انگیزه آنها را نباید زیر ساخت هر توافقنامه انگاشت. باید در نظر داشت که در دهه ۱۹۹۰ عوامل متعددی در ابتکارات منطقه‌ای نقش اساسی داشته‌اند. این بخش، عوامل مهمی را که در این ترتیبات سهم هستند بررسی می‌کند:

تأثیرات اقتصادی منطقه‌گرایی

دور نمای رشد فزاینده اقتصادی (که ناشی از به کارگیری هزینه فرصت مناسب، به کارگیری اقتصادهای معیاری، تخصیصی کردن منطقه، آموزش ضمن کار و به همان

اندازه، جذب سرمایه توسط توسعه بازار منطقه‌ای است) به منزله یک انگیزه قوی در تمام ترتیبات تجاری منطقه‌ای (اعم از کشورهای صنعتی یا در حال توسعه) بطور بالقوه وجود دارد. تحقق و تأثیرات همیشگی و تدریجی، اساس کار برنامه‌های بازار داخلی در اتحادیه اروپا بود.

در آفریقا احتمالاً مهمترین دلیل برای همگرایی منطقه‌ای این باور است که لازمه اقتصاد منحصر به فرد، غلبه بر موانعی چون سرمایه محدود انسانی و فیزیکی است که مانع رشد اقتصادی است؛ برای مثال فوروتان^{۳۰} (۱۹۹۲) این نکته را به عنوان عامل اساسی زیر ساخت همگرایی منطقه‌ای در صحرای جنوبی معرفی می‌کند.^{۳۱} همچنین هدف آشکار "آفتا"^{۳۲} و بازار مشترک نیمه جنوبی برای به کارگیری خط‌مشی‌های اقتصادهای معیاری، تقسیم نیروی کار در میان کشورهای منطقه و جذب سرمایه‌های مستقیم خارجی است که از طریق مهیا ساختن به منزله تنها بازار با ثبات و موفق منطقه قابل حصول است. تأثیرات رشد پویای اقتصادی مکزیک، بویژه جریان سریع سرمایه مستقیم خارجی^{۳۳} انگیزه اصلی تمایلات مکزیکها در پیوستن به "فتا" بود.

هدفهای غیر اقتصادی

ابتکارات منطقه‌ای ممکن است به عنوان وسیله‌ای برای هدفهای غیر اقتصادی، نظیر افزایش همبستگی سیاسی منطقه‌ای به کار رود. همچنین ملاحظات سیاسی خارجی مختلفی نیز نظیر اداره سیر مهاجرت و افزایش امنیت منطقه‌ای در نظر گرفته شود. تشکیل اتحادیه اروپا ریشه‌های سیاسی محکمی داشت؛ همانگونه که اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا نیز به همین دلیل تأسیس شد. تمایل تعدادی از کشورهای "آفتا"^{۳۴} برای پیوستن به اتحادیه اروپا با اهداف غیر اقتصادی شکل گرفته بود. بازار مشترک نیمه جنوبی، وسیله‌ای برای ترویج همکاری بین کشورهای عضو به شمار می‌رود.^{۳۵}

در آفریقا و خاور میانه، ترتیبات تجاری منطقه‌ای با انگیزه‌های مشابه به حرکت در

آمده بود.^{۳۶} از جمله عناصر مهم ملحوظ در "نفتا" و هم در توافقات همکاری اتحادیه اروپا با کشورهای اروپای شرقی، افزایش ثبات اقتصادی، سیاسی و کنترل جریان مهاجرت بوده است.

دلایل مربوط به دور اروگوئه

"دور اروگوئه" نقش مهمی در گرایش بیشتر به سمت ترتیبات تجاری منطقه‌ای ایفا کرده است. گاهی منطقه‌گرایی به عنوان جایگزینی برای رفع موانع تجاری چند جانبه در نظر گرفته شده. که در نتیجه حاکی از تقویت و تحکیم مذاکرات در دور اروگوئه و بطور کلی سیستم تجارت بین‌المللی بوده است. تعداد کمی از این عناصر در تشکیل ترتیبات منطقه‌ای شمال آمریکا و جنوب شرقی آسیا وجود دارد، ولی در آمریکای لاتین بسیاری از این عناصر مشاهده می‌گردد.

منطقه‌گرایی: «بندرگاهی امن»

معمولاً ابتکارات منطقه‌ای به منزله ابزاری در نظر گرفته می‌شود که از بروز موانع ورود به بازارهای جهانی در آینده، پیشگیری خواهد کرد. (شایان ذکر است که تا قبل از تحولات "دور اروگوئه"، تمهیداتی برای ورود بی‌خطر کشورها به بازارهای جهانی در نظر گرفته نشده بود.) به علاوه ابتکارات منطقه‌ای به ثبات بیشتر و محیط تجاری قابل پیشبینی‌تری کمک کرده است و هنگامی که ورود به بازارهای آینده با عدم اطمینان روبرو باشد، ممکن است کشورهای کوچک در پی توافقنامه‌های تجاری با کشورهای بزرگتر به عنوان بندرگاه امن باشند.

این انگیزه احتمالاً عنصری اساسی در توافقنامه‌های "تجارت آزاد ایالات متحده - کانادا" و "نفتا" و "بازار مشترک نیمه جنوبی" است و همین امر در تمایلات بعضی از کشورهای "اتحادیه تجارت آزاد اروپا" به "منطقه اقتصادی اروپا" مؤثر بوده است. در آمریکای شمالی، مکزیک به واسطه هراس از تغییرات خط مشی تجاری آمریکا، به سمت یک جهتگیری "استراتژیک" و "هدایت شده" به جنبش در آمد. پیگیری کانادا،

برای ورود به "توافقتنامه تجارت آزاد ایالات متحده-کانادا"، به امید استفاده از مقررات و ابزارهای خنثی کننده و ضد دامپینگ در ایالات متحده شکل گرفته بود. همین مسأله در چارچوب "نفتا" دوباره نمایان شد.

منطقه‌گرایی دریچه‌ای برای اصلاحات خط‌مشی‌های داخلی

ترتیبات تجاری منطقه‌ای به عنوان عامل فزاینده‌ی زمینه‌های حفظ و تداوم اصلاحات خط‌مشی‌های داخلی از جمله رفع محدودیت‌های یکجانبه و همچنین پرورش محیطی که به حفظ و ثبات اقتصاد کلان منجر می‌شود، (بویژه در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار) در نظر گرفته شده است.

این عقیده اذعان می‌کند که ترتیبات منطقه‌ای ممکن است مراحل خط‌مشی داخلی را در جهت خصوصی سازی و اصلاحات جهتگیری شده به سمت بازار، تکمیل و تثبیت کند.

به عقیده کشورهای اروپای شرقی، موافقتنامه آنها با اتحادیه اروپا به عنوان مهمترین امر در افزایش و تمرکز اصلاحات اقتصادی به شمار می‌رود.

نقش واسطه‌ای ترتیبات منطقه‌ای برای اصلاحات داخلی، انگیزه بسیار مهمی در ابتکارات منطقه‌ای آمریکای لاتین قلمداد شده است. بازار مشترک نیمه جنوبی معتقد بود که به وسیله آرژانتین بی‌نظمی‌های داخلی را سر و سامان بخشد و در پاراگوئه، اصلاح سیاست مبتنی بر بازار و آزاد سازی تجاری حمایت گردد. تصور می‌شود تلاشهای اخیر برای احیای پیمان "آنکوم" و "بازار مشترک آمریکای مرکزی"^{۳۷} به وسیله کشورهای عضو به عنوان کوششی در مسیری فراتر از جهتگیری اصلاحات اقتصادی ابداعی، توسط برخی از کشورها در خلال دهه گذشته به شمار می‌رفته است.

به طور قطع اتحادیه "نفتا" به ایالات متحده به عنوان ابزاری برای تسریع و تشویق اصلاحات سیاست داخلی در مکزیک، نگاه می‌کرده است.

تأثیرات دومینو^{۳۸}

به محض اینکه ترتیبات تجاری منطقه‌ای جدیدی شکل گیرد یا گسترش، و تعمیق یابد، هزینه فرصت بیرون ماندن از توافقنامه افزایش می‌یابد. چنانچه تجارت به سمت اعضا منحرف شده باشد، صادرکنندگان غیر عضو باید کاهش قیمت را در سهم بازار منطقه تجربه کنند و اگر منافع صادرات بر منافع رقابتی واردات غلبه داشته باشد، احتمال زیادی دارد که توازن سیاسی در جهت الحاق برخی کشورهای غیر عضو به توافقنامه تغییر کند و به نوبه خود چنانچه اعضای جدید وارد توافقنامه شوند، انحراف تجارت از بقیه کشورهای غیر عضو، باعث شروع دور دوم الحاق به توافقنامه گردد.

در مورد ورود کشورهای اتحادیه تجارت آزاد اروپا به درون اتحادیه اروپا، اثر "دومینو" بطور نمایان مشهود بوده است. کشورهای اروپای شرقی بطور مشابه، بیشتر خواهان ورود به بازارهای اروپای غربی بوده‌اند تا ترک آنها. مذاکرات بین مکزیک و ایالات متحده برای تشکیل "منطقه آزاد تجاری" ممکن است مرحله متمایز و مشخصی را در نیمکره غربی به وجود آورده باشد. تمایل کانادا به "نفتا" بشدت تحت تأثیر کاهش احتمالی منافع پیش‌بینی شده از جانب "توافقنامه تجارت آزاد ایالات متحده - کانادا"^{۳۹} بوده است، (البته اگر ربطی به ظهور مجدد "نفتا" نداشته باشد).

از نظر طرفهای تجاری مکزیک، عقد قراردادهای یکجا با این کشور به منزله اولین قدم برای پیوستن به "نفتا" به شمار می‌رود.

ورود به "نفتا" مهمترین هدف بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین به عنوان راهی برای تصحیح تجارت پیش‌بینی شده و انحراف سرمایه به سمت مکزیک به شمار می‌رود. منشأ انگیزه "پاراگوئه" و "اروگوئه" برای پیوستن به بازار مشترک نیمه‌جنوبی، بطور آشکار از علاقه آنها به پیشگیری از انحراف تجاری به سمت آرژانتین و برزیل بوده است.

منطقه‌گرایی صنعت نوپا

گاهی بحث صنعت نوپای منطقه‌ای، مبنای حمایت از منطقه‌گرایی قرار می‌گیرد.

ترتیبات تجاری منطقه‌ای اغلب در قالب یک استراتژی برای گسترش و تعمیق بازارهای منطقه‌ای داخلی در نظر گرفته شده است و به مثابه صنعت منطقه‌ای همراه با سیاستهای حفاظتی بازرگانی در مقابل کشورهای ثالث، می‌تواند نهایتاً صنایع منطقه‌ای را برای رقابت فرا منطقه‌ای آماده کند. این تصور در دل تمام توافقنامه‌های صحرای جنوبی آفریقا و آمریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ وجود داشت و به عنوان اعلامیه و مانیفست منطقه‌ای، جایگزین استراتژیهای صنعتی "جانشین واردات" در سطح ملی دنبال می‌شد.

البته این نکته قابل توجه است که آن دسته از ترتیبات تجاری که در گذشته تحت تأثیر این مآل اندیشی بودند حداقل موفقیت را در توسعه تجارت و ترویج رشد اقتصادی داشتند.

تصور اینکه یک صنعت نوپای منطقه‌ای ممکن است با شکست اینگونه ابتکارات منطقه‌ای مرتبط باشد، ممکن است بازتاب رابطه بین هدفهای نخستین و طرح جامع و دقیق یک توافقنامه باشد.

اضطراب رقابت در سطح جهانی بطور تلویحی در بطن اندیشه «منطقه‌گرایی»، عامل حمایت از صنعت نوپاست» وجود دارد و در این مدت گویای این واقعیت بوده که نسبتاً در ایفای تعهدات خود مبنی بر رفع محدودیتهای تجارت داخلی ضعیف عمل کرده است. منطقه‌گرایی در دهه ۱۹۹۰ به میزان بسیار کمی تحت تأثیر این اندیشه و نظریه بوده است؛ گرچه هنوز آثار این عقیده وجود دارد.

تأثیرات منطقه‌گرایی فزاینده

به رغم دعوی محکم برای رفع موانع تجاری یکجانبه و چند جانبه، نظریه‌های اقتصادی نه حمایت لازم و نه مخالفت کاملی را نسبت به ترتیبات تجاری منطقه‌ای عرضه کرده‌اند؛ خواه آنها مناطق تجاری آزاد، اتحادیه گمرکی، یا شکل عمیقتر همگرایی اقتصادی باشند.

این واقعیت که بسیاری از این ترتیبات تجاری شناخته شده در ارائه تعریف دقیق

مناطق تجاری آزاد یا اتحادیه گمرکی فاصرنند به مشکل دستیابی به نتایج قطعی این بحث می‌افزاید؛ ولی به هر حال نظریه‌های اقتصادی، چند رهنمود کلی را برای ارزیابی نشانه‌های کامیابی چنین ترتیباتی ارائه می‌دهند. در ادامه، تأثیرات اقتصادی و منطقه‌گرایی و توانایی آنها در ایجاد سیستم تجاری چند جانبه مورد بحث قرار گرفته‌اند.

تأثیرات ایستا

تأثیر "ژاکوب واینر"^{۴۱} بین دو مفهوم انحراف تجارت و ابداع تجارت، مشخص می‌سازد که اقدامات ترجیحی به سمت تجارت آزاد، اشاره ضمنی به معاملات ایستا^{۴۲} دارد. گرایشهای عمده ترتیبات تجاری منطقه‌ای عبارتند از: تغییر کارایی کمتر به کارایی بیشتر تولید کنندگان درون منطقه (ابداع تجارت)، همراه با فرصتهای بهره برداری از صرفه جوییهای ناشی از مقیاس زیاد تولید^{۴۴} و لزوم توسعه منطقه در زمینه در آمد واقعی ملی.

البته متقابلاً، ترتیبات تجاری منطقه‌ای به جایگزینی تولید کنندگان غیر مؤثر با تولید کنندگان فعال کشورهای غیر عضو تمایل دارد (انحراف تجارت)^{۴۵} و به کاهش در آمد ملی منطقه‌ای و دیگر مواردی از این قبیل منجر می‌گردد. بنابراین زمانی که ابداع تجارت بر انحراف تجارت غالب گردد در آمد واقعی از گردهمایی منطقه‌ای افزایش می‌یابد.

وقتی موانع خارجی ترتیبات تجاری منطقه‌ای کم باشد، موجبات انحراف تجارت به حداقل می‌رسد. عوارض زیاد گمرکی بر اساس قرارداد دولت کامله‌الوداد، به طور متناوب، فشار بیشتری برای انحراف تجارت ایجاد می‌کند. دسته‌بندیهای منطقه‌ای میان کشورهایی که قبلاً شریکان تجاری به شمار می‌آمدند (و تا حدی شیوه تجارت آزاد را دنبال می‌کنند) فشار کمتری برای انحراف تجارت تولید می‌کنند و فرصتهای بزرگتری را برای ابداع تجارت به وجود می‌آورند. این مسأله جریان تجارت پایدار را با صرف کمترین هزینه سبب می‌گردد، زیرا از قبل، ترجیحات منطقه‌ای شکل گرفته‌اند.

اگر ملاحظه می‌شود که شریکان اتحادیه مورد نظر از حجم تجارت گسترده‌ای برخوردارند، بدین سبب است که برای تولید مجموعه بزرگی از هر کالا، هزینه بسیار

کمی را به یکدیگر تحمیل می‌کنند. شاید هم ناشی از این مطلب باشد که میزان گسترده‌ای از کالاها از تولید کنندگان بیرون از اتحادیه^{۴۶} (که هزینه کمتری صرف کرده‌اند) به تولید کنندگان درون اتحادیه (که هزینه زیادی برای تولید کالا متحمل می‌شوند)^{۴۷} منحرف شده باشد؛ برای مثال، توافقنامه تجارت آزاد ایالات متحده - کانادا (که عوارض گمرکی هر دو کشور از قبل در سطح بسیار پایینی بود) اشاره به این موضوع می‌کند که ایجاد فشار برای انحراف تجارت به حداقل رسیده بود.

درثانی، بین این دو، علایق تجاری محدودی از پیش به وجود آمده، و روابطشان طبیعی بود؛ به علاوه گرچه فرصتهای ایجاد تجارت به واسطه تعرفه‌های پایین، محدود شده بود اما از جهات دیگر فرصتهای بزرگتری برای این منظور ایجاد شده بود.

اگر حرکت‌های گروهی منطقه‌ای از حداقل مزیت‌های تجاری برای ایجاد تجارت آزاد منطقه‌ای برخوردار باشد در این صورت منافع منطقه‌ای به جای ابداع تجارت به سمت انحراف تجارت میل می‌کند. این مسأله عقلانیت اقتصادی ملحوظ در ماده ۲۴ موافقتنامه "گات" را مورد تردید قرار می‌دهد. ماده مذکور بیان می‌کند که ترتیبات تجاری منطقه‌ای باید در جهت رفع محدودیت‌های چند جانبه تجاری به کار گرفته شود. البته تقاضای "گات"؛ با هدف دراز مدت رفع محدودیت‌های کامل چند جانبه و کمک به حذف انواع برنامه‌های تجاری ترجیحی جانبدارانه، که در سرتاسر دهه ۱۹۳۰ جریان داشت، تطابق دارد. یک مسأله مهم دیگر نیز به روشنتر شدن تأثیرات رفاهی بالقوه اتحادیه‌های گمرکی کمک کرده است. "کمپ" و "وان" (۱۹۷۶)^{۴۸} نشان دادند که همیشه امکان انتخاب تعرفه خارجی مشترک وجود دارد، زیرا تشکیل اتحادیه گمرکی نه تنها تأثیر سویی بر غیر اعضا ندارد، بلکه رفاه اعضا نیز توسعه می‌یابد؛ ضمن اینکه "کمپ" و "وان" یک دلیل تئوریکی را عرضه کرده‌اند که "اتحادیه‌های گمرکی برای رسیدن به حذف نهایی تعرفه‌ها به منزله یک مرحله گذار به شمار می‌روند"؛ اما هیچ دلیلی وجود ندارد که اتحادیه‌های گمرکی در عمل نیز نظریه این دو محقق را تأیید کند. با وجود این، با پیشنهاد این دو نفر می‌توان از طریق بررسی حجم تجارت فرامنطقه‌ای، تأثیرات رفاهی اتحادیه گمرکی را با عنایت به حجم تجارت فرامنطقه‌ای بررسی کرد. در مفهومی آماری اگر حجم واردات به

منطقه در نهایت به اندازه حجم کالاهای وارد شده پیش از گروه‌گرایی منطقه‌ای باشد، این مسأله مطرح می‌شود که نقد «کمپ» و «وان» مناسب، و گروه‌گرایی رفاه کشورها را بیشتر کرده است.

تأثیرات دیگر

رفع محدودیت‌های تجاری ممکن است باعث افزایش میزان تأثیراتی بشود که به نوبه خود، رشد اقتصادی از طریق انتقال اطلاعات، رقابت‌های فزاینده، تغییر تکنولوژیکی سریع و آگاهی نسبت به فرصت‌های سرمایه‌گذاری را به وجود آورد.

این تأثیرات لبریز شونده (و با تأثیرات جابه‌جایی)،^{۶۹} گهگاه در بین دلایل ترغیب ترتیبات تجاری منطقه‌ای ذکر شده است تا جایی که هر موافقتنامه، محرک رشد اقتصادی است، ممکن است از تأثیرات آماری انحراف تجاری پیشگیری کند و تجارت را در داخل و بیرون از حیطه موافقتنامه توسعه بخشد. اگر چه این خطر مضاعف برای کشورهای ثالثی که فرصت‌های سرمایه‌گذاری (در منطقه) را افزایش داده‌اند و با قوانین پیچیده و غیر آشکار تطابق پیدا کرده‌اند، وجود دارد و ممکن است جریان سرمایه‌گذاری مستقیم از جانب ایشان را منحرف سازد، اما این تأثیرات احتمالاً تا هنگامی که گروه‌گرایی منطقه‌ای، حقوق و ضوابط عوارض گمرکی دولت کاملاً الوداد را حفظ می‌کند یا از جهت اقتصادی کوچک است در چشم انداز جهانی مشاهده نمی‌شود. به علاوه، این عقیده محکم، که آزاد سازی تجاری چند جانبه باید با سرعت توسعه یابد، انگیزه کمتری را برای جایگزینی برنامه‌های سرمایه‌گذاری دراز مدت در پاسخ به موافقتنامه‌های تجاری منطقه‌ای رایج در بر خواهد داشت.

ترتیبات منطقه‌ای و سیستم تجاری چند جانبه

غیر از این مسائل نظری ارزیابی تأثیرات رفاهی ترتیبات منطقه‌ای، باید حلقه‌های ارتباطی خط‌مشی‌های ممکن را برای مرحله بندی آزاد سازی تجارت چند جانبه مورد ملاحظه قرار دهد.

آیا ترتیبات تجاری منطقه‌ای سنگ بنای^{۵۰} سیستم تجارت چند جانبه به شمار می‌آید یا موجب لغزش^{۵۱} و سقوط آن می‌شود؟

در خلال مذاکرت طولانی «دور اروگوئه» در برخی از محافل رسمی و آکادمیک، این نگرانی وجود داشت که علاقه به ابتکارات منطقه‌ای، ممکن است تمایل کشورها را از مذاکرات تجارت چند جانبه منحرف سازد؛ به علاوه این تشویق وجود داشت که اگر مباحث «دور اروگوئه» توفیق نیابد، ممکن است منطقه‌گرایی، توجه به درون منطقه را محقق بگرداند و لذا منطقه‌گرایی در تضاد با سیستم تجارت چند جانبه، عمل کند؛ در صورتی که اگر ترتیبات تجاری منطقه‌ای، بطور شایسته درک و اجرا شود، می‌تواند پشتیبان هدفهای رفع محدودیتهای چند جانبه باشد.

بلاک هورست^{۵۲} و هندرسن^{۵۳} (۱۹۹۳) اشاره می‌کنند که ترتیبات منطقه‌ای برای چنین هدفی، به نوبه خود، نه مضر هستند و نه مطلوب. آنها اشاره می‌کنند که ترتیبات منطقه‌ای در بر دارنده مراحل آزاد سازی هستند و اگر چه با عوامل حمایت کننده همراه نمی‌شوند و یا آشکارا قوانین چند جانبه تنظیم شده در ماده ۲۴ "گات" را نادیده گرفته‌اند، با این حال در هدف دراز مدت تجارت آزاد جهانی سهیم هستند.

این محققان یاد آوری می‌کنند که پیدایش منطقه‌گرایی موضوع جدیدی نیست و در مذاکرات دوره‌های اولیه نیز مطرح شده است.

بگ واتی^{۵۴} (۱۹۹۲) و (۱۹۹۳) بطور کلی با این مسأله، موافق است، اما هشدار می‌دهد که برای تضمین رابطه مکمل میان ابتکارات منطقه‌ای و سیستم تجارت چند جانبه، معیارهای دقیقی لازم است.

پیوست ۱

موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات)^{۵۵}

گات قراردادی است که هدف آن رفع موانع تجاری در مبادلات بین‌الملل است. این قرارداد در سال ۱۹۴۷ بر اساس کنفرانس سال ۱۹۴۵ "هاوانا" در ژنو، منعقد گردید.

"گات" به همراه "بانک جهانی" و "صندوق بین‌المللی پول" سه ستون اقتصاد جهانی بعد از جنگ دوم جهانی را تشکیل داده‌اند.^{۵۱}

بعد از جنگ جهانی دوم، تجارت جهانی با رکود شدیدی روبرو شد؛ به همین دلیل کوشش‌های فراوانی برای تزریق خون تازه در رگهای خشکیده آن به عمل آمد که ثمره آن در موافقتنامه عمومی تعرفه‌های گمرکی و تجارت (گات) ظاهر گردید.

هدف اصلی گات ایجاد نظم اقتصادی بین‌المللی آزادی است که در آن دخالت دولت در امور تجاری حداقل باشد و بنگاه‌های تولیدی از قدرت و شانس رقابتی یکسان در سطح بین‌المللی برخوردار باشند. گات در نظر دارد که این هدف غایی را از طریق اصولی که در زیر بر شمرده خواهد شد، تحقق بخشد:

۱- اصل دولت کامله‌الوداد ۲- اصل تسری رفتار داخلی ۳- کاهش عوارض گمرکی ۴- ممنوعیت برقراری محدودیتهای مقداری ۵- تنظیم قواعد و مقررات صادراتی.

در واقع گات، مذاکرات تجاری دوجانبه را با اصل "کامله‌الوداد" به مذاکرات چند جانبه تبدیل کرده است. ایدئولوژی گات، "مکانیسم بازار" بر اساس اصول اقتصادی سرمایه‌داری (بازار آزاد)، و بر این اساس معتقد است که تجارت آزاد، موجب رشد و رفاه بین‌المللی می‌گردد.

گات دو گروه عضو دارد: گروه اول که اعضای اصلی گات هستند می‌توانند از تمام حقوق سازمان مذکور بهره‌مند شوند و ملزم به اجرای قطعنامه‌های صادره از طرف گات نیز هستند. گروه دوم که اعضای ناظر نامیده می‌شوند به صورت "دوفاکتو" به سازمان مذکور وابسته هستند و ضمن استفاده از مدارک و اسناد سازمان، تعهدی در اجرای قطعنامه‌های صادره آن ندارند.

شرط خاصی برای عضویت در گات وجود ندارد، ولی اگر کشوری به پذیرفتن عضویت گات مایل باشد، این امر باید فقط به تصویب دو سوم اعضای فعلی گات برسد. طبیعتاً وقتی کشوری به عضویت گات در آید، اجباراً باید معیارهای مربوط به حقوق و عوارض گمرکی را در رابطه با تجارت خود با سایر کشورهای عضو رعایت کند. یکی از اصولی که گات از آن پیروی می‌کند بطوری که گفته شد، اصل "دولت کامله‌الوداد" است.

بر این اساس چنانچه یکی از کشورهای عضو، شرایط مناسب و مساعدی را در رابطه با حقوق و عوارض گمرکی و سایر شرایط تجاری برای کشور دیگری در نظر بگیرد، این شرایط خود بخود برای سایر کشورها نیز ساری و جاری خواهد شد.

تغییراتی که در گات ایجاد شد، طی نشستهایی که به "دور ۵۷" معروف هستند به وقوع پیوست که مهمترین آنها مذاکرات "دورکنندی" ۵۸ (۷۴-۱۹۶۷ م. ژنو) و مذاکرات "دورتوکیو" ۵۹ (۷۹-۱۹۷۳ م) و مذاکرات "دور اروگوئه" ۶۰ (۹۳-۱۹۸۶ م) به نتایج چشمگیری در مورد کاهش سطح عوارض گمرکی رسیده هم اکنون مذاکرات "دور اروگوئه" در جریان است.

دور اروگوئه

وظیفه گات در از بین بردن تبعیضهای تجاری و گشودن بازارها و کاهش موانع گمرکی موجود خلاصه می شد، که این امر در دهه های گذشته کمابیش میسر گردید؛ به گونه ای که دیگر تجارت جهانی چهار برابر شد و تعرفه های گمرکی موجود در این فاصله زمانی به بسیار کاهش یافت، از سوی دیگر تعداد اعضای گات از ۱۸ کشور در آغاز تأسیس به ۱۲۴ کشور فزونی یافت؛ ولی بتدریج مشکلات جدیدی بر سر راه گات ایجاد شد که می توان آنها را تحت عنوان موانع گمرکی غیر تعرفه ای معرفی کرد (از قبیل دامپینگ، استفاده از اختراعات مخترعان هر کشور در دیگر کشورها و...) این در حالی بود که هیچگونه قانون مدون مشترکی در این ارتباط بین اعضای گات وجود نداشت. برای رویارویی با این مشکلات، اعضای گات در "دور اروگوئه" که نزدیک به ۷ سال طول کشید، تصمیم به گسترش قوانین و ملحق کردن بندهای جدید به قوانین قبلی گرفتند. مهمترین موضوعات الحاقی به قوانین گات عبارت است از:

۱- تجارت خدمات در بین کشورهای عضو

۲- حمایت از مالکیت معنوی

۳- برخورد قانونی با کشورهایی که از "دامپینگ" ۱۱ و "سوسید" ۱۲ به منظور

تقویت تولیدات خود در بازارهای جهانی استفاده می کنند.

و سرانجام ورود تجارت تولیدات کشاورزی و نساجی تحت قوانین جدید. در واقع گات به یک سازمان تجاری بسیار بزرگ تبدیل گردید که تنها قسمتی از آن قوانین قبلی گات را تشکیل می‌داد و بدین ترتیب تصمیم بر این گرفته شد تا گات به "سازمان تجارت جهانی"^{۱۳} تغییر نام دهد.

گات بر خلاف سازمان تجارت جهانی، تنها شامل مبادله کالا بود و این در حالی است که سازمان تجارت جهانی علاوه بر مبادله کالا، شامل بخشهایی دیگر همچون "مبادله بین‌المللی خدمات"^{۱۴} و حمایت از "قوانین مالکیت معنوی"^{۱۵} نیز می‌شود. گرچه "دور اروگوئه" در زمینه حذف عوارض گمرکی و سوبسید در زمینه محصولات کشاورزی و منسوجات، ناکام ماند، اما تأسیس سازمان تجارت جهانی، مهمترین دستاورد این دور به شمار می‌رود. سازمان تجارت جهانی از تاریخ اول ژانویه ۱۹۹۵ میلادی، رسماً آغاز به کار کرد و قرار است در سال ۲۰۰۰ میلادی تعرفه‌های گمرکی برای تولیدات صنعتی کاملاً در تمامی کشورهای عضو حذف گردد و در سال ۲۰۰۶ میلادی تمام حقوق گمرکی و حمایت‌های صادراتی در مورد کالاهای کشاورزی در کشورهای صنعتی حذف شود و در سال ۲۰۱۶ میلادی تمام حقوق گمرکی و حمایت‌های صادراتی برای کالاهای کشاورزی در کشورهای در حال توسعه حذف گردد.

همچنین قوانین گمرکی و حمایت‌های صادراتی در مورد منسوجات و لباس در این سال حذف شود.

سازمان تجارت جهانی (WTO)

کنفرانس وزیران

موافقتنامه تأسیس (WTO)

انجمن عمومی

مدیر عامل

دفتر

ارگان رسیدگی به حل اختلافات

ارگان بررسی سیاستهای تجاری سازمان

کمیته‌ها:

تجارت و توسعه

معدودیتها برای حمایت از تراز پرداختها

بودجه، مالیه و اداری

موافقتنامه‌های عمومی

GATT

GATS

TRIPS

اصول مشترک

لاترون مدینه فاضله

قانون معاملات ملی

تجارت منصفانه

حذف موانع تجاری

معاملات مختلف با کشورهای کمتر توسعه یافته

حمایت از محیط زیست

انجمن مربوط به تجارت کالا

انجمن مربوط به تبادل خدمات

انجمن حامی مالکیت معنوی در تجارت

موافقتنامه‌ها:

موافقتنامه‌ها:

قراردادهای:

۱- کشاورزی

۱- رفت و آمد افراد

۱- پروانه‌ها و ادبیات)

۲- بهداشت

۲- رفت و آمد هوایی

۲- پاریس: حمایت از مالکیت معنوی

۳- پوشاک و منسوجات

۳- حمل و نقل دریایی

(حقوق نشر)؛ مخرجان مارکهای

۴- موانع تکنیکی تجاری

۴- خدمات مالی

تجاری؛ اساسی شرکتهای و اسرار تجاری

۵- سرمایه‌گذاری

۵- ارتباط راه دور

۳- واشنگتن (مدارهای الکترونیکی)

۶- زیر قیمت فروش

- مقررات مربوط به هرگونه تقلید

۷- ارزش‌گذاری گمرکی

از تولیدات دیگر کشورها

۸- بازرسی محصوله قبل از ارسال آن

۹- قوانین کشورهای مبدأ

۱۰- میوز و واردات کالا

۱۱- پرداختهای ناشی از (سوسید)

۱۲- قوانین حمایتی

موافقتنامه‌های خصوصی

بازارهای عمومی

موافقتنامه بین‌المللی در ارتباط با فرآورده‌های لبنی

تجارت هریبادهای کشوری

موافقتنامه بین‌المللی در ارتباط با گوشت گاو

پیوست ۲

دامپینگ

دامپینگ، به زبان ساده، یعنی فروش کالا در خارج با قیمتی کمتر از قیمت داخل کشور. معمولاً کالا در حالت دامپینگ به قیمتی زیر هزینه تولید عرضه می‌شود. دامپینگ نوعی تبعیض قیمت است. دلایل مختلفی برای دامپینگ وجود دارد. ممکن است تولید کننده‌ای به این دلیل که موجودی انبارش از کالایی خاص انباشته شده است، اقدام به دامپینگ موقت این کالا کند تا از متحمل شدن هزینه انبارداری رهایی یابد. این امکان نیز وجود دارد که دامپینگ به دلایل خارج ساختن رقیبان از بازار انجام شود.

سپس تولید کننده که موقعیت انحصاری پیدا کرده می‌تواند قیمت را در بازار خارج افزایش دهد و وضعیت خود را نیز تثبیت کند. لذا یکی از دلایلی که به نفع وضع عوارض گمرکی بر کالاهای خارجی وجود دارد، اغلب تحت عنوان، قوانین ضد دامپینگ^{۱۱} یاد می‌شود.

پیوست ۳

نظریه اتحادیه گمرکی

"ژاکوب وینر"^{۱۲} در سال ۱۹۵۰ نظریه‌ای را در مورد عوارض گمرکی طرح کرد که به نام نظریه اتحادیه گمرکی مشهور است. تأثیر اتحادیه‌های گمرکی (به مفهوم عام کلمه شامل تمام انواع آن از قبیل بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی) در این نظریه بر چگونگی تخصیص منابع بین‌المللی مورد بحث قرار گرفته است. نظریه اتحاد گمرکی در صدد پاسخ به این سؤال است که آیا تشکیل اتحادیه‌های گمرکی باعث تخصیص حد مطلوب منابع تولیدی و افزایش رفاه ملتها می‌گردد یا خیر. قبل از اینکه "وینر" نظریه اتحادیه گمرکی را در کتاب خود مطرح کند، عقیده بر این بود که اتحادیه گمرکی گامی به سوی تجارت آزاد است و می‌تواند در جهت افزایش رفاه بین‌المللی مؤثر باشد. ما قبل از

بررسی نظریه اتحادیه گمرکی و تأثیرات آن، دو مفهوم "ابداع تجاری" و "انحراف تجاری" را که در این نظریه مورد استفاده قرار می‌گیرد بیان می‌کنیم. بطور خلاصه می‌توان گفت: تشکیل اتحادیه گمرکی مانند جامعه اقتصادی اروپا، موقعیت داخلی تولید برخی کالاها را تقویت می‌کند. اگر موقعیت داخلی تولید کالایی (از نظر هزینه متوسط تولید) به گونه‌ای تقویت گردد که موجب ایجاد نوعی تجارت جدید شود و همزمان تخصیص منابع بهبود یابد، می‌گوییم تشکیل اتحادیه گمرکی باعث به وجود آوردن "ابداع تجاری" شده است. از سوی دیگر اگر اتحادیه گمرکی، موجب تغییر جهت تجارت از کشوری به کشور دیگر به شکلی گردد که همزمان باعث بدتر شدن تخصیص منابع شود، می‌گوییم "انحراف تجاری" به وجود آمده است.

جامعه اقتصادی اروپا را به عنوان نمونه در نظر بگیرید. فرض کنیم فرانسه و آلمان قبل از تأسیس جامعه در تولید کالای X خودکفا بوده‌اند. به علاوه تصور می‌کنیم قبل از شکل‌گیری این جامعه، هیچکدام از کشورهای آلمان و فرانسه به دلیل سطح بالای عوارض گمرکی، کالای X را وارد نمی‌کرده‌اند. فرانسه بعد از تشکیل جامعه اقتصادی و حذف عوارض گمرکی در می‌یابد چنانچه کالای X را از آلمان که در تولید آن مزیت دارد، وارد کند برایش مناسبتر و مساعدتر خواهد بود. ملاحظه می‌شود تشکیل جامعه اقتصادی اروپا که اتحادیه‌ای گمرکی است، باعث می‌شود که روند تولید کالای X که تولید آن در فرانسه مستلزم صرف هزینه هنگفتی بود تغییر جهت دهد و در آلمان که هزینه تولید آن کم است، تولید گردد. در این حالت اصطلاحاً می‌گوییم تشکیل اتحادیه گمرکی باعث "ابداع تجاری" شده است. می‌بینیم که "ابداع تجاری" از طریق تغییر روند تولید باعث بهبود تخصیص منابع می‌گردد و لذا می‌تواند موجب افزایش رفاه بین‌المللی گردد. حال بهتر است شرح مختصری درباره "انحراف تجاری" بدهیم. فرض کنیم فرانسه و آلمان قبل از تشکیل جامعه اقتصادی اروپا، کالای Y را از کشور ثالثی مثلاً آمریکا وارد می‌کرده‌اند (به دلیل اینکه کالای Y در آمریکا با هزینه کمتری تولید می‌شود). اکنون در نظر بگیرید فرانسه بعد از شکل‌گیری جامعه اقتصادی اروپا و حذف عوارض گمرکی در می‌یابد چنانچه کالای Y را از آلمان (که در مقایسه با آمریکا در تولید کالای Y مزیت

ندارد) وارد کند، ارزاتر خواهد بود (به دلیل حذف عوارض گمرکی). بدین ترتیب می‌بینیم که تشکیل اتحادیه گمرکی موجب شده است روند تولید به صورتی تغییر یابد که کالای X در کشوری که هزینه تولید آن در سطح بالایی قرار دارد، تولید گردد. ملاحظه می‌شود که این امر باعث بد شدن تخصیص عوامل و منابع تولید خواهد شد. در این حالت می‌گوییم تشکیل اتحادیه گمرکی موجب ایجاد "انحراف تجاری" شده که بدیهی است، باعث کاهش رفاه بین‌المللی خواهد شد.

پیوست ۴

انحراف تجارت و ابداع تجارت^{۶۸} از نگاه آمار

با ارائه نمونه‌های عددی ساده، فرق بین انحراف تجارت و ایجاد تجارت در تشکیل یک اتحادیه گمرکی یا دیگر ترتیبات تجاری، را با ذکر چند مثال ساده (با روش "ریکاردین")^{۶۹} شرح می‌دهیم. هزینه فرصت نسبت به کالای X در ۳ منطقه را در نظر بگیرید. (با فرض وجود نرخهای مبادله)

کشور	الف	ب	جهان
هزینه فرصت	35	26	20

مورد ۱ (شرط دولت کامله الوداد^{۷۰} با تعرفه‌های گمرکی زیاد)

فرض کنید کشور الف و ب هر دو یک تعرفه گمرکی ۵۰ درصد دارند. قبل از تشکیل اتحادیه گمرکی، کشور الف از بازارهای جهانی با صرف کمترین هزینه، کالا وارد می‌کرد، در حالی که کشور ب از منابع داخلی استفاده می‌کرده است. با تشکیل اتحادیه گمرکی، واردات کشور الف در مورد کالای X از بازارهای جهانی به تولید کنندگان کشور ب انتقال داده می‌شود.

میزان تولید در کشور ب بدون عقد قرارداد با دیگر کشورها، توسعه می‌یابد. اما کشور الف که از منابع جهانی با صرف هزینه فرصت ۲۰ درصد بهره می‌برده و در پی شکل‌گیری اتحادیه، نیازهای خود را از کشور ب بر حسب هزینه فرصت ۲۶ درصد در هر واحد کالا، وارد می‌کند. این یک نمونه از انحراف تجاری، و به این وسیله درآمد ملی، هم در اتحادیه و هم در بقیه جهان کاهش یافته است. مشکل انحراف تجاری در اینجا تاحدی ناشی از تعرفه زیاد قرارداد کامل‌الوداد است.

نمونه ۲ (تعرفه‌های گمرکی کم)

تعرفه گمرکی کم این اثر را از بین خواهد برد؛ به عنوان مثال، فرض کنید تعرفه هم در کشور الف و هم در کشور ب، ۱۰ درصد باشد. هر دو کشور کالای X را قبل و بعد از همگرایی از بازار جهانی وارد خواهند کرد. بنابراین عوارض پایین گمرکی در این زمینه مانع از انحراف تجاری در مورد ۲ خواهد بود.

مورد ۳ (تعرفه‌های کم و زیاد گمرکی)

موردی را در نظر بگیرید که عوارض گمرکی بین طرفهای موافقتنامه تجاری ترجیحی، کاملاً متفاوت باشد. همچنین فرض کنید تعرفه‌های گمرکی پیش از همگرایی، به این ترتیب در کشور الف و ب، ۱۰ درصد و ۴۰ درصد باشد. در این مورد قبل از همگرایی، کشور الف کالای X را از بازارهای جهانی وارد می‌کرد اما کشور ب کالای X را در داخل تهیه می‌کرده است. اگر اتحادیه گمرکی تشکیل شود و کمترین تعرفه توسط اتحادیه اتخاذ شود، تجارت بین کشور B و بازار جهانی ایجاد شده است. البته این رفع محدودیتها از طریق عوارض گمرکی است که نتیجه‌ای مثبت را ایجاد می‌کند. مثال مذکور، اشاره به این دیدگاه مشخص دارد که اتحادیه‌های گمرکی که ساختارهای تعرفه‌ای "عضویت کاملاً آزاد"^{۲۱} را به کار می‌بندند، فشارهای متزایدی را برای ابداع و خلق تجارت ایجاد می‌کنند. بقیه موارد نیز به همین منوال، ناشی از اجرای طرح دولت کامل‌الوداد است. در خصوص این کالای واحد، هزینه ثابت مذکور، مسائل عمده مربوط

به تأثیرات انحرافی اتحادیه‌های گمرکی (که این خط مشی را دنبال می‌کنند) به وجود می‌آورد.

در نتیجه اولاً کشورهای که به رغم ادغام با اقتصاد جهانی هنوز از موانع تجاری زیادی برخوردارند (مورد ۱) تمایل بیشتری به انحراف تجاری دارند. در غیر این صورت این انحراف ناشی از طبیعت گسترده و متنوع امتیازات اتحادیه آینده می‌تواند باشد.

ثانیاً (مورد ۲) کشورهایی که تعرفه‌های کم دولت کامل‌الوداد را رعایت می‌کنند امکان انحراف تجاری کمتری خواهند داشت، مگر اینکه این مسئله ناشی از طبع نازل و محدود امتیازات اتحادیه بعدی باشد. بسته به ماهیت این کشورها و همچنین طبیعت الگوهای تجاری میان آنها، برقراری تجارت دوجانبه پیش از ایجاد اتحادیه، اساساً با هرگونه توافقنامه تجاری ترجیحی دیگر، امکان بیشتری را برای خلق و ابداع تجارت در پی خواهد داشت؛ مگر اینکه عواملی غیر از اینها دخیل باشد.

ثالثاً: اتحادیه گمرکی که کمترین موانع ساختار تعرفه‌ای را نسبت به کشورهای عضو به کار می‌بندد، (مورد ۳) احتمالاً تجارت مثبتی را با بقیه دنیا به وجود می‌آورد. زیرا در این حالت، وضعیت رفع محدودیت‌های تجاری دولت کامل‌الوداد شکل گرفته است.

پیوست ۵

ابتکار فرامرزی^{۷۲}

سی بی آی، ابتکار همگرایی میان ۱۳ کشور آفریقای جنوبی و شرقی است که به وسیله بانک توسعه آفریقا، کمیسیون جوامع اروپایی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول حمایت می‌شود.

ابتکار فرامرزی با تشریک مساعی بازار مشترک آفریقای جنوبی و غربی،^{۷۳} جامعه توسعه آفریقای جنوبی^{۷۴}، و کمیسیون اقیانوس هند^{۷۵} برای حمایت از مأموریت همگرایی میان این ترتیبات توسعه یافته است. توافقنامه (معیارهای سیاست‌گذاری محوری) در تاریخ آگوست ۱۹۹۳ به امضا رسید. هدف کلان ابتکار فرامرزی، کمک به

کاهش موانع فعالیت مرزی مستقیم به همراه تقویت رشد اقتصادی درون منطقه‌ای، است. ابتکار فرامرزی "مؤسسه‌ای" برای همگرایی منطقه‌ای نیست، بلکه بیشتر مجموعه‌ای از سیاستهای مقرر و طراحی شده برای ترفیع تجارت، سرمایه‌گذاری، پرداختها، و توسعه نهادین میان کشورهای شریک است.

پیوست ۶

انواع و درجات ادغام اقتصادی^{۷۶}

به طور کلی دو دیدگاه دربارهٔ تجارت آزاد بین‌المللی وجود دارد که عبارتند از:

الف: دیدگاه بین‌المللی که به کنفرانسهای بین‌المللی تحت نظارت موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) توجه دارد و از طریق انجام مذاکرات بین‌المللی از قبیل مذاکرات دور توکیو، و دور اروگوئه، درصدد کاهش عوارض گمرکی و از بین بردن سایر موانع تجاری در جهت تحقق تجارت آزاد در جهان است.

ب: دیدگاه منطقه‌ای که به توافق میان کشورهای تأکید دارد و هدف آن نیز آزادی تجارت میان کشورهای منطقه با حفظ موانع گمرکی برای سایر کشورهای جهان است. این دیدگاه در چارچوب اجتماع کشورهای تحت عنوانین اتحادیه تجارت ترجیحی، منطقه آزاد تجاری، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک و اتحادیه اقتصادی، تحقق پیدا می‌کند که در زیر به آنها می‌پردازیم:

الف: اتحادیه تجارت ترجیحی^{۷۷}

اگر چند کشور بین خود توافق کنند که عوارض گمرکی ترجیحی در برابر کالاهای یکدیگر در مقایسه با سایر جهان برای اعضا قائل شوند، تشکیل اتحادیه تجارت ترجیحی داده‌اند. انگلستان و کشورهای مشترک‌المنافع در سال ۱۹۳۲، تشکیل چنین اتحادیه‌ای را داده‌اند، آنها عوارض گمرکی کمتری برای کالاهای تولیدی خود در مقایسه با کالاهای مشابه سایر کشورها وضع کرده‌اند.

ب: ناحیه (یا منطقه) تجارت آزاد^{۷۸}

اگر چند کشور به تریبی توافقی کنند که عوارض گمرکی را بین خود حذف کنند (به استثنای خدمات سرمایه‌ای) ولی در مقابل سایر کشورها، عوارض گمرکی را حفظ، تشکیل ناحیه تجارت آزاد را داده‌اند.

نمونه تاریخی این منطقه تجارت آزاد در دنیا، "ناحیه تجارت آزاد اروپا" یا (افتا)^{۷۹} متشکل از کشورهای اتریش، دانمارک، نروژ، پرتغال، سوئد، سوئیس و انگلستان است.

ج: اتحادیه گمرکی^{۸۰}

اگر دو یا چند کشور توافقی کنند که تمام عوارض گمرکی را در روابط تجاری دو جانبه حذف کنند و همچنین عوارض گمرکی مشابهی را در برابر سایر کشورهای جهان در نظر بگیرند، تشکیل اتحادیه گمرکی داده‌اند. نمونه تاریخی از اتحادیه گمرکی، اتحادیه‌ای است که در سال ۱۸۳۴م بین ایالات مستقل آلمان به نام (سل فراین)^{۸۱} تشکیل شد

د: بازار مشترک^{۸۲}

بازار مشترک نوع تکامل یافته ناحیه تجارت آزاد و اتحادیه گمرکی متشکل از چند کشور است. اعضای بازار مشترک با قبول آزادی تجارت بین خود و با داشتن عوارض گمرکی مشابه در برابر سایر کشورها در صدد هستند که بتدریج تحرک عوامل تولید (کار و سرمایه) را بین کشورهای خود تحقق بخشند. بازار مشترک اروپا نمونه تاریخی این نوع اجتماع کشورهاست. به علاوه در این رابطه می‌توان از بازار مشترک آمریکای مرکزی و بازار مشترک کارائیب نیز نام برد.

ه: اتحادیه اقتصادی^{۸۳}

کاملترین شکلی که چند کشور می‌توانند از طریق توافقی به آن دست یابند، اتحادیه اقتصادی است. کشورهایی که در نظر دارند تشکیل اتحادیه اقتصادی بدهند، مترصد هماهنگی کامل در سیاستهای اقتصادی، پولی و مالی خود هستند. کشورهای بنلوکس

متشکل از سه کشور بلژیک، هلند و لوکزامبورگ که در سال ۱۹۸۴ م تشکیل اتحادیه گمرکی را داده بودند در سال ۱۹۶۰ م به اتحادیه اقتصادی تبدیل گردید. اتحادیه اقتصادی اروپا نیز که مبنای آن قرارداد رم سال ۱۹۸۵ م است، نمونه‌ای دیگر از این نوع اتحادیه‌هاست.

اکنون با اطلاع از انواع همکاریهای اقتصادی و گمرکی کشورها، درجهٔ ادغام اقتصادی را می‌توان به صورت جدول زیر خلاصه کرد:^{۸۴}

درجه ادغام اقتصادی	حذف عوارض گمرکی فیما بین	یکسان بودن سیاست گمرکی	نقل و انتقال آزاد عوامل تولید	یکسان بودن سیاستهای اقتصادی
۱ ناحیه تجارت آزاد	+	-	-	-
۲ اتحادیه گمرکی	+	+	-	-
۳ بازار مشترک	+	+	+	-
۴ اتحادیه اقتصادی	+	+	+	+

یادداشتها

1- Regional Trading Arrangement

2- Richard Harmsen and Michael Leidy

اصطلاح «توافقات تجاری منطقه‌ای» به همان صورتی که در این مقاله به کار رفته است به مجاورت جغرافیایی کشورهای عضو اشاره ندارد.

3- European Union (EU)

واژه اتحادیه اروپا (EU)، در سال ۱۹۹۳ فوت گرفت، و در این مقاله به جامعه اروپا (EC) اشاره دارد.

4- North American Free Trade Agreement (NAFTA)

5- southern cone common Market (MERCOSUR)

6- Central African customs and Economic Union (UDEAC)

7- Cross-Border Initiative (CBI)

8- Association of south East Asian Nations Free Trade Area (ASEAN)

9- Asia-Pacific Economic cooperation Forum (APEC)

10- The Gulf cooperation council (GCC)

11- Economic cooperation organization (ECO)

۱۲- ر.ک پیوست ۱

۱۳- شرط دولت کاملاًالوداد (Most Favoured Nation Clause)، شرط یا قیدی در قراردادهای میان کشورهاست که به موجب آن هریک از طرفین ملزم می‌شود که بهترین و مساعدترین امتیازات ممکن را به طرف دیگر بدهد. بویژه طرفین متعهد می‌شوند که هرگونه تسهیلاتی که برای طرف سومی قابل شوند، برای طرف این قرارداد نیز مراعات کنند. (همین اصل است که به رغم "گات"، مبادلات دو جانبه و منطقه‌ای را به مبادلات چند جانبه و جهانی تبدیل می‌کند).

۱۴- مفهوم انحراف تجاری که از لحاظ اقتصادی یکی از نتایج توافقات تجاری منطقه‌ای و بریدن از اقتصاد جهانی می‌باشد، در پیوستهای شماره ۳ و ۴ توضیح داده شده است.

۱۵- ر.ک. بخش دوم مقاله حاضر (EEA) European Economy Area

16- European Free Trade Association

۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰- ر.ک بخش دوم مقاله حاضر

21- African community Franc (CFA Franc)

22- Quantitative Restrictions (QRs)

23- Central African Customs and Economic Union (UDEAC)

۲۴- ر.ک پیوست شماره ۵

25- ASEAN Free Trade Agreement (AFTA)

26- Asia - pacific Economic Cooperation (APEC) forum

27- South Asian Association or Regional Cooperation (SAARC)

28- Arab Common Market (ACM)

29- Arab Maghreb Union (AMU)

30- Foroutan, Faezeh, "Regional Integration in sub-Saharan Africa: past Experience and future

prospects, " paper presented at the world Bank and CEPR Confrence on New Dimensions in Regional Integration, paper no.3 (Washington: the world Bank and CEPR, April 2-3.1992).

۳۱. در این مقاله منظور از "sub_Saharan" آفریقای جنوبی نمی‌باشد.

۳۲. رک. پیوست بخش دوم مقاله حاضر

33- foreign direct investment

34- European Free Trade Association (EFTA)

۳۵. "کاردناس" (۱۹۹۲)، معتقد است که، اهداف غیر اقتصادی به منظور تقویت روابط سیاسی میان اعضاء این اتحادیه، مهمترین محرک بشمار می‌رود.

Cardenas, Emilioj., " the treaty of asuncion: Asouthern cone common Market (MOERCOSUR) Begins to Take shap" world compe competition, vol/15 (June,1992), PP.65-77.

۳۶. برای نمونه نگاه کنید به توصیف فورروتان (Foroutan) راجع به: ۱- اهمیت علائق فرهنگی و مؤسسات مربوط به دوران پایانی استعمار در ایجاد منطقه‌گرایی در صحرای جنوبی آفریقا (sub_Saharan). ۲- ملاحظات سیاسی در نیجریه که منجر به جامعه اقتصادی دولتهای آفریقای غربی (ECOWAS) گردید. ۳- اهداف غیر اقتصادی اعضاء کنفرانس همکاری توسعه آفریقای غربی، (SADCO) به منظور کاهش وابستگی به آفریقای جنوبی. در مورد خاورمیانه نگاه کنید به (Fisher (۱۹۹۲)

37- Central American Common Market (CACM)

38- The Domino Effect

39- Canada_United States Free Trade Agreement (CUSFTA)

40- Import_Substitution Industrialization Strategise

۴۱. رک. پیوست شماره ۳ (نظریه اتحاد گمرکی ژاکوب واینر)

42-Static trade-offs

۴۳. اقتصاد ایستا (static economy)، اقتصادی است که در آن نیروهای عرضه و تقاضا در حالت تعادل هستند و لذا دلیلی برای تغییر وجود ندارد.

۴۴. صرفه‌های ناشی از مقیاس (Economies of scale)، صرفه‌جویی‌هایی است که در نتیجه بزرگتر شدن ابعاد تولید حاصل می‌شود و عمدتاً ناشی از سرشکن شدن هزینه‌های سربار (Overhead costs) روی تعداد واحدهای بیشتر است.

۴۵. رک. پیوست شماره ۴ (اهدای تجارت و انحراف تجارت)

46- least-cost supplier تولید کنندگان کم هزینه

47- higher-cost supplier تولید کنندگان پر هزینه

48- kemp and Wan

49- spillover effects

50- building blocks

51- Stumbling blocks

52- Blocks hurst

53- Henderson

54- Bhagwati

55- General Agreement on Tarif and Trade (GATT)

۵۶. هم‌اکنون ۱۲۴ کشور عضو گات می‌باشند و نزدیک به ۹۰ درصد از کل معاملات جهانی کالا را اعضای گات انجام می‌دهند.

57- Round

58- Kennedy

59- Tokyo

60- Uruguay

۶۱- دامینگ (Dumping) فروش کالا و محصول در بازارهای خارجی به قیمتی کمتر از هزینه نهایی آن کالا و یا محصول به منظور شکست دادن رقیبان و به دست گرفتن کامل بازار است و نهایتاً ایجاد انحصار و شبه انحصار برای آنکه بعداً قیمت‌ها را طبق دلخواه بالا ببرند. کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در صورتی که با فروش ارزان شریک تجاری خود روبرو شوند، حق دارند مالیات ویژه‌ای بر واردات از آن کشور وضع کنند.

62- Subsidy

63- World Trade Organization (WTO)

64- General Agreement on Trade in services (GATS)

65- Trade _ Related Intellectual Property Rights (TRIPs)

66- Antidumping rules

67- Jacob Viner

68- Trade Diversion and Trade Creation

69- Ricardian

70- (MFN) Most Favor Nation

71- The most Liberal member

72- The cross Border Initiative (CBI)

73- Common Market for Eastern and Sothern Africa

74- Southern African Development Community (SADC)

75- Indian Ocean Commision (IOC)

76- Economic Integration

77- pereferential Trade Union

78- Free Trade Area

79- EFTA

80- Costomes Union

81- Zollvrein

83- Common Market

84- Economic Union

۸۵. محترم دولتشاهی. طهماسب، اقتصاد بین‌الملل (تجارت بین‌الملل - مالیه بین‌الملل) - تهران نشر خجسته





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی